

تحلیلی بر شهرنشینی و جایگاه شهرهای جدید در ایران

چکیده

تحولات شهری برون‌زا که عمدتاً شهرگرا و تمرکزطلب می‌باشد، در سده اخیر تحولات ساختاری شگرفی را در نظام شهری و شهرنشینی ایران رقم زده است. به طوری که جمعیت شهرنشین کشور از حدود ۲۰/۶ درصد در سال ۱۲۷۹ به بیش از ۶۱/۳ درصد در سال ۱۳۷۵ رسید؛ که این تحول ناشی از گسترش شتابان شهرنشینی در کشور می‌باشد. در عین حال طی این مدت شبکه شهری کشور به هم خورد و تمرکز جمعیت در شهرهای بزرگ مهمترین ویژگی نظام شهری این دوره می‌باشد.

ساماندهی و برنامه‌ریزی منسجم به منظور بهبود کیفیت زندگی شهروندان و فضای شهری از یک سو و کنترل و مهار حاشیه‌نشینی و شکل‌گیری شهرک‌های خودرو و بی‌برنامه در اطراف شهرهای بزرگ از سوی دیگر، ضرورت شکل‌گیری و طراحی شهرهای جدید با برنامه را حتمی ساخته است. با این وجود می‌بایست در سیاست‌های کلان توسعه شهری کشور، ضعف مدیریتی در ساختار اداری، اجرایی این شهرها و بالاخره محدودیت‌های ناشی از خلاء هویت در شهرهای جدید، تجدید نظر نمود. رفع این نقیصه‌ها می‌تواند در ارتقاء جایگاه شهرهای جدید در نظام شهری کشور نقش آفرین باشد. به طور کلی عمده‌ترین مسائلی که باعث عملکرد ضعیف شهرهای جدید کشور شده‌اند، عبارتند از: نخست: فقدان برنامه‌ریزی منطقه‌ای و توجه صرف به طرح‌های شهری که نتیجه این امر در غالب موارد باعث ایجاد صدمات جبران‌ناپذیر به توان زیست‌محیطی و منابع غیرقابل احیاء بوده است. این عامل متوجه انواع توسعه‌ها و ساخت و سازها می‌شود که در مورد شهرهای جدید نمودی قوی‌تر دارد.

دوم: اعلام این مطلب که از سوی وزارت مسکن و شهرسازی که این شهرها بدون کمک دولت ساخته می‌شوند و در نتیجه هیچ یک از بخش‌ها و دستگاه‌های دولتی تعهدی برای پاسخگویی به نیازهای این شهرها ندارد. این امر سبب بار مالی سنگینی برای مدیران شهرهای جدید شده است.

سوم: مهمترین مشکل شهرهای جدید در تمام دنیا فقدان هویت است؛ در مورد شهرهای جدید ایران نیز از آن رو که فاقد یک خصیصه متمایز هویتی است هیچ انگیزه غرور آمیزی برای شهروندان آن که خود را وابسته به آن بدانند ایجاد نکرده است.

کلید واژه‌ها: شهرهای جدید، ایران، شبکه شهری، شهرنشینی برون‌زا، هویت شهری، ضعف مدیریتی، برنامه‌ریزی منطقه‌ای.

مقدمه

شهرنشینی در سرزمین ایران با کشف منابع نفت و استخراج آن از قرن سیزدهم هجری شمسی به بعد شتاب گرفت. این منابع درآمد جدید، زمینه فروپاشی اقتصاد و جامعه سنتی را فراهم کرد و به کشاورزی در اقتصاد ملی نقش حاشیه‌ای بخشید. مراکز استان‌ها و به ویژه تهران با جذب بیشترین سرمایه‌گذاری‌ها، سیل مهاجران را به سوی خود کشاندند و شهرهای کوچک و روستاها را از جمعیت جوان و سرمایه تهی ساختند. در نتیجه روز به روز بر تعداد جمعیت شهرنشین ایران افزوده شد. به گونه‌ای که میزان شهرنشینی در کشور از مرز ۵۰ درصد نیز فراتر رفت. علاوه بر افزایش میزان شهرنشینی، شاهد به هم خوردن سلسله مراتب شهری، و پدیدار شدن الگوی نخست شهری در سطح کشور و بیشتر مراکز استان‌ها می‌باشیم. در این میان، یکی از راه‌حل‌های کاهش نسبت نخست شهری و ایجاد تعادل در نظام شهری کشور در کنار سایر راه‌حل‌ها، احداث شهرهای جدید است، تا بتوان به وسیله آنها به توزیع فضایی جمعیت با تأکید بر تمرکززدایی در ابعاد مختلف اقدام نمود.

تحولات شهرنشینی در ایران

کشور ایران، تا پیش از شروع شهرگرایی و شهرنشینی دوره معاصر تقریباً از نظام شهری همگونی برخوردار بوده است، یعنی شبکه شهری کشور کهکشانی بوده و تحت تأثیر توسعه درون‌زا و روابط سنتی شهر و روستا به حیات خود ادامه می‌داده است. پس از آن در نتیجه تحول روند رشد و توسعه درون‌زا به توسعه برون‌زا، که با سیر تحول

شهرگرایی، شهرنشینی و شهرسازی در دوره معاصر و از اواسط حکومت قاجار به بعد شروع می‌شود (حبیبی، ۱۳۷۵، ۶)، نظام سنتی روابط، دگرگون می‌شود و جایگاه خود را از دست می‌دهد. شروع تحولات شهری برونزا را می‌توان از زمان ناصرالدین شاه قاجار به بعد پیگیری کرد. چرا که کشف نفت در زمان ناصرالدین شاه قاجار باعث ادغام اقتصاد ایران در بازار جهانی و افزایش روابط ایران با کشورهای غربی گردید (پیران، ۱۳۶۹، ۹۳).

این شروع توسعه برونزا در ایران بود، که تحولات عظیمی در ساختار کشور ایجاد کرد. از جمله اینکه از سال ۱۳۰۰ به بعد، حرکت به سوی تمرکزگرایی همه جانبه (سیاسی، اداری و اقتصادی) شتاب گرفت و نهادینه شد. حکومت مرکزی به عنوان نظام وابسته به سرمایه‌داری جهانی و در جهت تأمین منافع آن، مهمترین هدف سیاسی، اقتصادی خود را استقرار امنیت و ایجاد یک بازار سراسری برای ادغام در بازار جهانی قرار داد و برای تحقق این دو هدف، اختیار تصمیم‌گیری تمرکز یافت (حسن، ۱۳۷۳، ۴۶).

برابر نخستین سرشماری رسمی کشور، جمعیت شهرنشین کشور، ۵۹۵۴ هزار نفر، میزان شهرنشینی ۳۱/۴ درصد و تعداد شهرهای کشور ۱۸۶ شهر بوده است. و بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۵، جمعیت شهرنشین کشور، ۳۶۷۰۰ هزار نفر، میزان شهرنشینی ۶۱/۳ درصد و تعداد شهرهای کشور به ۶۱۴ شهر رسیده است (جدول ۱). مقایسه ارقام فوق حاکی از گسترش شتابان شهرنشینی در کشور است. به گونه‌ای که طی سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۷۵ میزان شهرنشینی ۲۹/۹ درصد رشد را نشان می‌دهد و از رقم ۳۱/۴ درصد (۱۳۳۵) به ۶۱/۳ درصد در (۱۳۷۵) رسیده است.

جدول ۱ تحولات شهرنشینی در ایران (۱۳۷۵-۱۲۷۹)

شاخص / سال آماری	۱۲۷۹	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵
کل جمعیت ایران به هزار نفر	۹۸۶۰	۱۸۹۵۵	۲۵۷۸۹	۳۳۷۰۹	۴۹۴۴۵	۵۵۸۳۷	۶۰۰۵۵
میزان رشد سالانه جمعیت به درصد	-	۱/۰	۳/۰	۲/۷	۳/۹	۲/۵	-
جمعیت شهری طبق سرشماریها به هزار نفر	۲۰۳۳	۵۹۵۴	۹۷۹۴	۱۵۸۵۵	۲۶۸۴۵	۳۱۸۳۷	۳۶۷۰۰
میزان شهرنشینی طبق سرشماریها به درصد	۲۰/۶	۳۱/۴	۳۸	۴۷	۵۴/۳	۵۷	۶۱/۳
جمعیت نقاط ۵ هزار نفر و بیشتر به هزار نفر	۲۰۳۳	۵۹۵۴	۹۷۱۵	۱۵۸۳۳	۲۸۳۲۴	-	-
تعداد نقاط ۵ هزار نفر و بیشتر	۹۹	۱۸۶	۲۴۹	۳۶۷	۶۰۶	-	۶۱۴

منبع: آمار سال‌های ۱۳۷۰-۱۲۷۹ (توفیق، ۱۳۷۲، ۴۳ و ۴۱)، آمار سال ۱۳۷۵ (زیاری، پاییز ۱۳۷۸، ۸۰)

چنان‌که اشاره گردید، جمعیت شهرنشین کشور در نتیجه توسعه برونزا گسترش یافت. چرا که اصولاً توسعه برونزا شهرگرا و تمرکزطلب است. این ویژگی سبب

افزایش تعداد شهرها و به وجود آمدن شهرهای بزرگ گردید. تمرکز جمعیت در شهرهای بزرگ مهمترین ویژگی نظام شهری این دوره محسوب می‌شود. تمرکزگرایی باعث به هم خوردن شبکه شهری کشور گردید. در نتیجه تغییرات عمده‌ای در شبکه شهری کشور به وقوع پیوست و باعث شد که شکل کهکشانی شبکه شهری کشور (به ویژه از سال ۱۳۳۵ به بعد) در بیشتر مناطق کشور به شکل خطی و زنجیره‌ای تغییر کند و به جای قانون اندازه-مرتبه، پدیده نخست شهری در سطح کشور و بیشتر مراکز استانی، استان‌های کشور نمایان شود. بنا به یک اظهار نظر «با همه تلاش‌هایی که از سال ۱۳۶۷ به این طرف شده است. هنوز در کل مملکت یک سیستم متمرکز بسیار فشرده وجود دارد» (پاپلی، ۱۳۷۳، ۳۰۵) و تمرکز در شهرها و منطقه شهری آنها کم و بیش خودنمایی می‌کند. بنابراین باید از تمرکز بیش از حد شهرهای منطقه‌ای و ملی جلوگیری کرد و در جهت تمرکز غیرمتمرکز در نظام شهری کشور و ایجاد تعادل در آن کوشش نمود.

روند شهرهای بزرگ در ایران

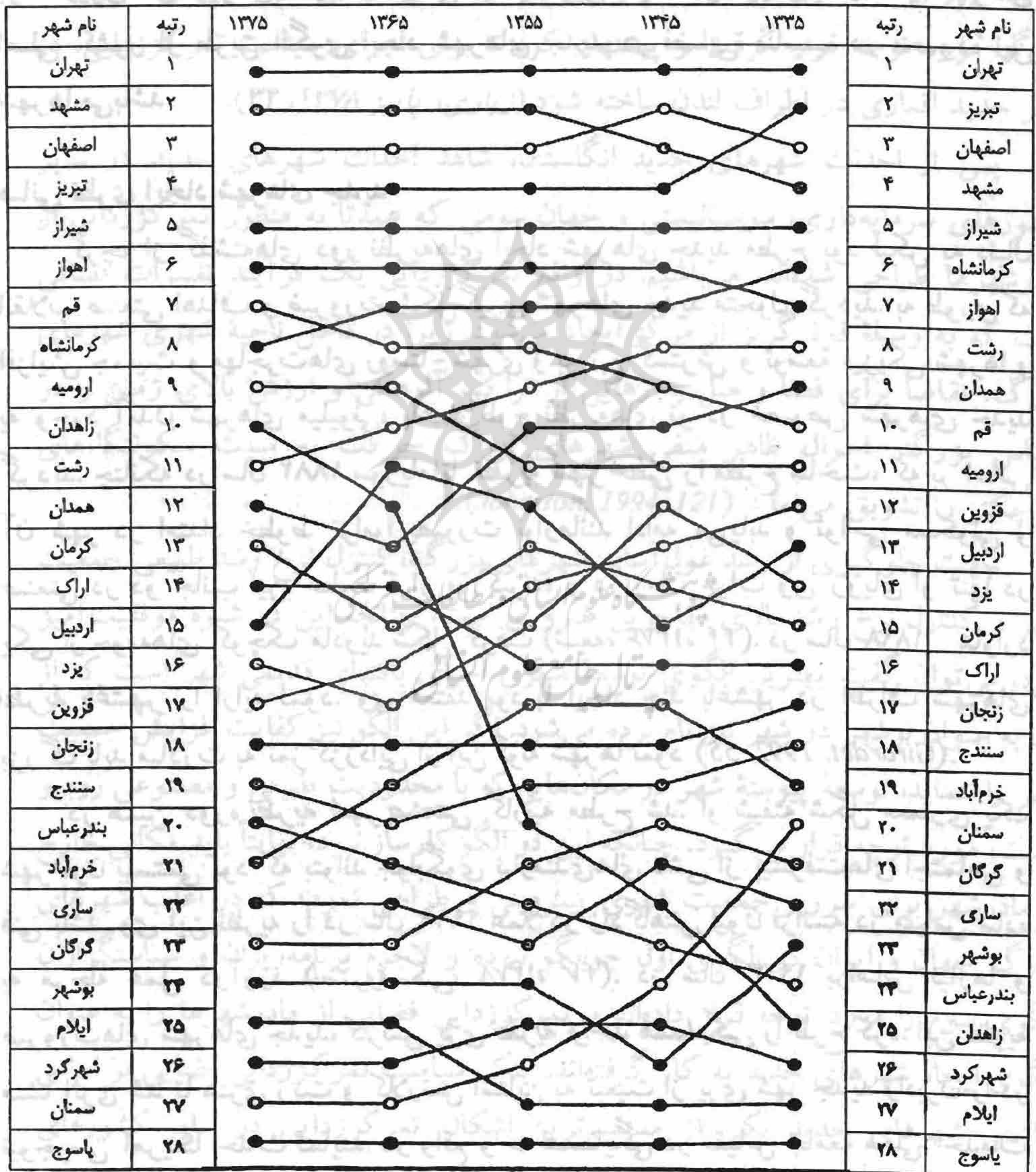
مهمترین شهرهای ایران تهران، مشهد، اصفهان، تبریز و شیراز می‌باشند، که در رتبه یک تا پنج جمعیتی در سرشماری سال ۱۳۷۵ قرار گرفته‌اند. جدول ۲ تحولات جمعیتی و نرخ رشد جمعیتی در شهرهای مرکز استانی ایران را طی سال‌های ۷۵-۱۳۳۵ نشان می‌دهد. جمعیت این شهرها، نسبت به کل جمعیت کشور از ۱۶/۴ درصد در سال ۱۳۴۵، به ۲۰/۴ درصد در سال ۱۳۵۵ و ۲۰/۹ درصد در سال ۱۳۶۵ افزایش یافته و در سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ به ۲۰/۴ درصد و ۲۰/۲ درصد کاهش یافته است (زیاری، پاییز ۱۳۷۸، ۱۲). علت افزایش نسبت فوق طی سالهای ۶۵-۱۳۴۵، مهاجرت روزافزون روستاییان به شهرها و به ویژه شهرهای بزرگ در نتیجه عامل توسعه برون‌زا بود. چرا که «اصولاً افزایش طبیعی جمعیت و در واقع رشد عرضه نیروی کار در نواحی روستایی بیشتر از نواحی شهری گردید؛ این امر باعث شد که بهره‌دهی روستایی کاهش یابد و تفاوت درآمدهای روستایی و شهری بیش از پیش معنادار شود. در نتیجه بر شتاب مهاجرت به شهرها افزوده گردد» (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۰، ۱۴۴). بنابراین شهرها که با افزایش رشد طبیعی جمعیت رو به رو شده بودند؛ و از حل مشکلات خود ناتوان بودند با انبوهی از مهاجرین نیز مواجه گشتند. بیش از پیش گسترش یافتند. مهمترین علت کاهش نسبت فوق طی سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ علاوه بر کاهش نرخ رشد جمعیت کشور طی این سال‌ها، استقرار جمعیت د

منطقه شهری و در محدوده حوزه نفوذ مستقیم این گونه شهرهای ملی و منطقه‌ای است که تمرکز شدیدی نیز یافته است. این عامل باعث گسترش حاشیه‌نشینی (به مفهوم عام کلمه) و رشد شهرهای اقماری و خودرو در اطراف این گونه شهرها شده است. به گونه‌ای که رشد جمعیت پیرامون نسبت به این شهرها بالاتر رفته است.

جدول ۲ تحولات جمعیتی و نرخ رشد آن در شهرهای مراکز استانی ایران (۷۵-۱۳۳۵)

رتبه	نام شهر	جمعیت ۱۳۳۵	جمعیت ۱۳۴۵	جمعیت ۱۳۵۵	جمعیت ۱۳۶۵	جمعیت ۱۳۷۵	نرخ رشد جمعیت ۱۳۳۵-۷۵
۱	تهران	۱۵۱۲۰۸۲	۲۷۱۹۷۳۰	۴۵۳۰۲۲۳	۶۰۴۲۵۸۴	۶۷۵۸۸۴۵	۳/۸۱
۲	مشهد	۲۴۱۹۸۹	۴۰۹۶۱۶	۶۶۷۷۷۰	۱۴۶۳۵۰۸	۱۸۸۷۴۰۵	۵/۲۷
۳	اصفهان	۲۵۴۷۰۸	۴۲۴۰۴۵	۶۶۱۵۱۰	۹۸۶۷۵۳	۱۲۶۶۰۷۲	۴/۰۹
۴	تبریز	۲۸۹۹۹۶	۴۰۳۴۱۳	۵۹۷۹۷۶	۹۷۱۴۸۲	۱۱۹۱۰۴۳	۳/۵۹
۵	شیراز	۱۷۰۶۵۹	۲۶۹۸۶۵	۴۲۵۸۱۳	۸۴۸۲۸۹	۱۰۵۳۰۲۵	۴/۶۵
۶	اهواز	۱۲۰۰۹۸	۲۰۶۳۷۵	۳۳۴۳۹۹	۵۷۹۸۲۶	۸۰۴۹۸۰	۴/۸۷
۷	قم	۹۶۴۹۹	۱۳۴۲۹۲	۲۴۷۲۱۹	۵۴۳۱۳۹	۷۷۶۷۷	۵/۳۶
۸	کرمانشاه	۱۲۵۴۳۹	۱۸۷۹۳۰	۲۹۰۶۰۰	۵۶۰۵۱۳	۶۹۲۹۸۶	۴/۳۷
۹	ارومیه	۶۷۶۰۵	۱۱۰۷۴۹	۱۶۴۴۱۹	۳۰۰۷۴۶	۴۳۵۲۰۰	۴/۷۷
۱۰	زاهدان	۱۷۴۹۵	۳۹۷۳۲	۹۳۷۴۰	۲۸۱۹۲۳	۴۱۹۵۱۸	۸/۲۷
۱۱	رشت	۱۰۹۴۹۱	۱۴۳۵۵۷	۱۸۱۹۵۷	۲۹۰۸۹۷	۴۱۷۷۴۵	۳/۴
۱۲	همدان	۹۹۹۰۹	۱۲۴۱۶۷	۱۶۵۷۸۵	۲۷۲۴۹۹	۴۰۱۲۸۱	۳/۵۴
۱۳	کرمان	۶۲۱۵۷	۸۵۴۰۴	۱۴۰۷۶۱	۲۵۷۲۸۴	۳۸۴۹۹۱	۴/۶۶
۱۴	اراک	۵۸۹۹۸	۷۱۹۲۵	۱۱۶۸۳۲	۲۶۵۳۴۹	۳۸۰۷۵۵	۴/۷۷
۱۵	اردبیل	۶۵۷۴۲	۸۳۵۶۹	۱۴۷۸۶۵	۲۸۱۹۷۳	۳۴۰۳۸۶	۴/۲
۱۶	یزد	۶۳۵۰۲	۹۳۲۴۱	۱۳۵۹۲۵	۲۳۰۴۸۳	۳۲۶۷۷۶	۴/۱۸
۱۷	قزوین	۶۶۴۲۰	۸۱۰۰۶	۱۳۹۲۵۸	۲۴۸۵۹۱	۲۹۱۱۱۷	۳/۷۶
۱۸	زنجان	۴۷۱۹۵	۵۸۷۱۴	۱۰۰۳۵۱	۲۱۵۲۶۱	۲۸۶۲۹۵	۴/۶۱
۱۹	سندج	۴۰۶۴۱	۵۴۵۷۸	۹۵۸۷۲	۲۰۴۵۳۷	۲۷۷۸۰۸	۴/۹۲
۲۰	بندرعباس	۱۷۷۱۰	۳۴۶۲۷	۸۷۹۸۱	۲۰۱۶۴۲	۲۷۳۵۷۸	۷/۰۸
۲۱	خرم‌آباد	۳۸۶۷۶	۵۹۵۷۸	۱۰۴۹۱۲	۲۰۸۵۹۲	۲۷۲۸۱۵	۵/۰۱
۲۲	ساری	۲۶۲۷۸	۴۴۵۴۷	۷۰۷۵۳	۱۴۱۰۲۰	۱۹۵۸۸۲	۵/۱۵
۲۳	گرگان	۲۸۳۸۰	۵۱۱۸۱	۸۸۰۳۳	۱۳۹۴۳۰	۱۸۸۷۱۰	۴/۸۵
۲۴	بوشهر	۱۸۴۱۲	۲۳۵۴۷	۵۸۹۵۶	۱۲۰۷۸۷	۱۴۳۶۴۱	۵/۲۷
۲۵	ایلام	۸۳۴۶	۱۵۴۹۳	۳۲۴۷۶	۸۹۰۳۵	۱۲۶۳۴۶	۷/۰۳
۲۶	شهرکرد	۱۵۴۷۶	۲۳۷۵۷	۴۰۳۵۹	۷۵۰۸۰	۱۰۰۴۷۷	۴/۷۹
۲۷	سمنان	۲۹۰۳۶	۳۱۰۵۸	۳۸۷۸۶	۶۴۸۹۱	۹۱۰۴۵	۲/۹
۲۸		-	۹۳۱	۴۵۲۴	۲۹۹۹۱	۶۹۱۳۳	-

نمودار ۱ جایگاه شهرهای مرکز استانی کشور را در نظام شهری کشور طی سالهای ۷۵-۱۳۳۵ رایه می‌دهد. نتایج حاصل از این مطالعه بیانگر آن است که میان ۲۸ مرکز استان کشور فقط جایگاه تهران، شیراز و یاسوج از سال ۷۵-۱۳۳۵ در نظام شهری مراکز استانی کشور ثابت مانده است و بقیه شهرها فراز و فرودهایی را در سلسله مراتب شهری پذیرا شده‌اند.



نمودار ۱ جایگاه شهرهای مرکز استانی در نظام شهری کشور (۱۳۳۵-۱۳۷۵)

جهت حل مشکلات شهری « مسلماً راه حل اصلی داشتن طرح و برنامه و مدیریت نسجم و اختصاص دادن اعتبارات لازم و ایجاد اشتغال در محیط های عشایری - روستایی شهری است » (پاپلی، ۱۳۸۰، ۱۹) چرا که عدم برنامه ریزی عشایری - روستایی، در واقع برنامه ریزی شهری را نیز به چالش کشیده و بی اثر می گرداند. در عین حال ساماندهی مرز جمعیت شهری به خصوص شهرهای بزرگ و متروپل های منطقه ای نیز نیاز به برنامه ریزی های ویژه ای دارد، که یکی از مهمترین آنها تمرکززدایی از مادر شهرهای اصلی کشور از طریق الگوی ایجاد شهرهای جدید در فضایی مناسب در محدوده این شهرها می باشد.

بنایی نظری ایجاد شهرهای جدید

گرچه از گذشته های دور نظریه های ایجاد شهرهای جدید مطرح بود لیکن به دنبال انقلاب صنعتی اهداف و ضرورت شکل گیری شهرهای جدید متحول گردید. به طوری که نزایش جمعیت و مهاجرت های روستا - شهری و به تبع گسترش و توسعه فیزیکی شهرها و وجود آمدن شهرهای میلیونی، باعث طرح نظریه های نو در خصوص شهرهای جدید گردید. چنانکه در سال ۱۸۸۲ سوریاماتا نظریه شهر خطی را مطرح ساخت، که بر اساس آن شهر در امتداد خطوط تراموا بصورت نوارمانند ادامه می یابد و نواحی مسکونی و صنعتی در دو جانب این خطوط قرار می گیرند، و در زمان حیات وی رویای او تنها در یکی از حومه های کوچک مادرید شکل گرفت (شیعه، ۱۳۷۶، ۴۴). در سال ۱۸۹۸ هاوارد نظریه باغشهر را ارائه نمود. وی معتقد بود با ایجاد چند باغشهر در اطراف شهرهای بزرگ باید مبادرت به تمرکززدایی از این گونه شهرها نمود (Girardet, 1992, 55).

در همین دوره نظریه شهر صنعتی گارنیه مطرح شد. او شیفته شکل معماری یک هر قرن بیستمی بود که بتواند جوابگوی نیازمندی های ناشی از پیشرفت های اجتماعی و بی باشد. وی این نظریه را در سال ۱۹۱۹ عملاً در زادگاهش لیون فرانسه در مقیاس ساده، مرحله عمل درآورد (استروفسکی، ۱۳۷۸، ۴۷). در سال ۱۹۲۳ براساس نیازها و ضرورت های شهرهای جدید، کلرنس پری نظریه واحد همسایگی را طرح کرد. این نظریه نشأ اثری شد تا هنری ریت و کلارنس اشتاین به تبعیت از پری شهر جدید رادبرن را در وجرسی آمریکا احداث نمایند. در واقع واحد همسایگی در مقیاس جامعه محلی خدمات زم را ارائه می نماید (هیراسکار، ۱۳۷۶، ۸۷).

بالاخره در آستانه جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵-۱۹۳۹) و در واقع در پایان این جنگ بود که نمونه‌هایی از ساخت نوشهرها مطرح و طراحی شدند که به نسل جدید نوشهرهای دوران معاصر معروفند (جوادشهیدی، ۱۳۷۷، ۳۶). شروع حرکت احداث نوشهرهای معاصر را باید از انگلستان و گزارش کمیسیون بارلو دانست. بر اساس این گزارش نارسایی‌ها و مشکلات ناشی از تمرکز در شهر لندن از ابعاد استراتژیکی، اجتماعی و اقتصادی مطرح گردید (مرلز، ۱۳۶۵، ۲). اصول گزارش بارلو توسط ابرکرامبی در سال ۱۹۴۴ در لندن بزرگ مورد توجه قرار گرفت و پیشنهاد کرد تا برای اجرای سیاست تمرکززدایی، ده شهر جدید اقماری در اطراف لندن ساخته شود (زیاری، پاییز ۱۳۷۸، ۳۲).

پس از احداث شهرهای جدید انگلستان، شاهد احداث شهرهای جدید در سایر کشورهای سرمایه‌داری، سوسیالیستی و جهان سومی که عمدتاً به منظور تمرکززدایی از مادرشهرها طراحی شده‌اند، می‌باشیم. در واقع تمرکززدایی یک فرآیند تغییرات فضایی است که به وسیله قوه گریز از مرکز ایجاد می‌شود. زیرا در داخل ناحیه شهری شهرهای بزرگ، تقاضا برای فضا و میل به رهایی از تراکم، آلودگی و ارزش بالای زمین و در مقیاس بزرگتر احوال ظاهر منفی شهرهای بزرگ حرکت به سمت سکونتگاه‌های کوچکتر را تشویق می‌نماید (Johnston, 1994, 121).

جهت جلوگیری از رشد غول‌آسای شهرهای بزرگ، کنترل نرخ رشد طبیعی جمعیت شهر و کنترل نرخ رشد بالای مهاجرین ضروری است، چنانچه این دو شیوه موفقیت‌آمیز نبود، می‌توان گفت بهترین الگوی توسعه شهری احیای بافتهای قدیمی شهر است که از آن به عنوان نوشهر در شهر نیز نام برده می‌شود. اگر این الگو نیز کفایت افزایش جمعیت شهر را ننماید، توسعه پیوسته شهر در مکان‌هایی که با محدودیت طبیعی و مصنوعی روبرو نیست، مورد توجه قرار می‌گیرد. چنانچه این دو الگو کارساز نبود، نهایتاً باید مکانی خارج از مادرشهر برای سرریز جمعیت شهری پیش‌بینی و طراحی نمود؛ که در اغلب شهرهای بزرگ جهان و ایران دو الگوی اول جوابگو نبوده و لاجرم برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران الگوی سوم را مورد توجه قرار داده‌اند و تمرکززدایی فضایی از مادرشهرها را به عنوان الگوی ایجاد شهرهای جدید به کار گرفته‌اند. اینک سیاست تمرکززدایی فضایی بر اساس ساختن شهرهای جدید یکی از مستقیم‌ترین اشکال تمرکززدایی در سایر کشورهای در حال توسعه شناخته می‌شود (شکوئی، ۱۳۷۳، ۴۱۴).

سابقه ایجاد شهرهای جدید در ایران

سابقه ایجاد شهرها در ایران به زمان‌های گذشته برمی‌گردد. در این زمینه می‌توان بسیاری از شهرها را ذکر کرد، که از پایه و اساس در یک محدوده زمانی مشخص ایجاد شده و با تعریف شهرهای جدید تا حدودی سازگار است. تخت جمشید، بیشاپور، سلطانیه و غیره از آن جمله‌اند. شهرهای جدید در دوران اخیر به برکت وجود معدن، راه و راه‌آهن، پادگان نظامی و حتی مناظر و مزایای طبیعی و سیاحتی و ایرانگردی و جذب سرریزهای جمعیتی به وجود آمده‌اند (پیران، ۱۳۷۰، ۱۲۶). بدین منظور تجربه ایران در ایجاد شهرهای جدید معاصر در دو مقطع زمانی قبل و بعد از انقلاب اسلامی قابل بررسی است.

الف - ایجاد شهرها قبل از انقلاب اسلامی

در دوره قبل از انقلاب شاهد ظهور شهرهای جدیدی بودیم که به اشکال و منظوره‌های مختلف احداث شده بودند و عبارت بودند از:

۱. شهرهای سازمانی - صنعتی: مانند «آبادان، اندیمشک، مسجدسلیمان، پولادشهر، پیرانشهر، بندر شاهپور، آغا جاری، هفتگل، زردنو، شهرک مس سرچشمه و شهرک‌های صنعتی البرز، ساوه، رشت و غیره» (زیاری، پاییز ۱۳۷۸، ۱۴۸). این شهرها برای استفاده و بهره‌وری از منابع کشور در مناطق مختلف کشور طراحی و احداث شدند. این شهرها خود اتکاء بودند و مشاغل و خدمات کافی برای ساکنان خود داشتند.

۲. شهرهای سیاسی - نظامی: مانند زاهدان و نوشهر، این گونه شهرها نظیر زاهدان دارای یک هسته موجود روستایی بوده است، اما بعدها در نتیجه گسترش بافت شهری، بافت روستایی آن از رونق افتاد و در بافت اصلی و جدید شهر حذف شد. شهر زاهدان در سرشماری سال ۱۳۷۵ در بین شهرهای مرکز استانی ایران رتبه دهم جمعیتی را دارا بوده است.

۳. شهرهای بازسازی شده پس از زلزله: از زمره این شهرها می‌توان قوچان و سلماس را نام برد (سعیدنیا، ۱۳۶۹، ۳۴). این شهرها در نتیجه وقایع غیرمترقبه در محدوده مکان اولیه شهر (قبل از زلزله) احداث شدند. علاوه بر شهرهای فوق می‌توان شهرهایی مانند شاهین‌شهر در اصفهان، اسلامشهر در تهران، یاسوج در کهگیلویه و بویراحمد،

دزفول و شوشتر نو در خوزستان، مرودشت در فارس و فریمان در خراسان (مشهدیزاده، ۱۳۷۴، ۵۰۴-۴۴۹) را نیز از شهرهای قبل از انقلاب دانست.

ب- شهرهای جدید بعد از انقلاب اسلامی

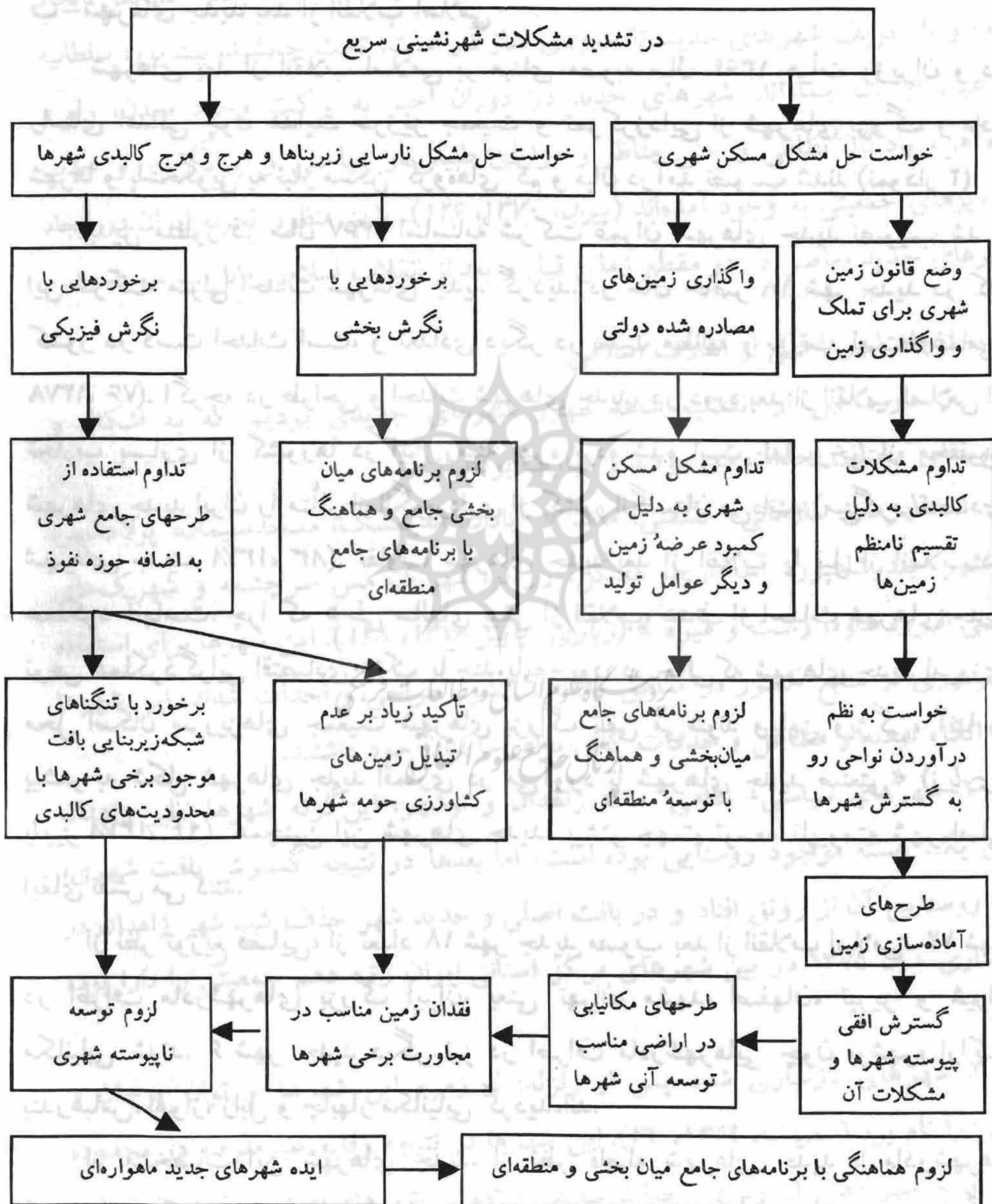
شهرهای بعد از انقلاب اسلامی بر مبنای مصوبه سال ۱۳۶۴ هیأت وزیران و در راستای اهدافی چون هدایت سرریز جمعیت و تمرکززدایی از شهرهای بزرگ و مادر شهرها و پاسخگویی به نیاز مسکن گروه‌های کم و میان درآمد تصویب شدند (نمودار ۲).

بدین منظور در سال ۱۳۶۷ اساسنامه شرکت عمران شهرهای جدید تصویب شد و این شرکت متولی احداث شهرهای جدید گردید. در حال حاضر ۱۸ شهر جدید در کل کشور در دست احداث است، و تعدادی دیگر در دست مطالعه و بررسی است (غمامی، ۱۳۷۸، ۷۶). اگرچه در طراحی و احداث شهرهای جدید، در دوره بعد از انقلاب اسلامی از تجارب بسیاری از کشورهای در این زمینه بهره برده شده است. اما برخی از محققین، شهرهای جدید ایران را متأثر از الگوبرداری از کشور انگلستان می‌دانند (میزگرد اقتصادی شهرهای جدید، ۱۳۷۸، ۱۳). تفاوت شهرهای جدید بعد از انقلاب با قبل از انقلاب در عملکرد آنهاست. چرا که « طی سالهای پیش از انقلاب، هدف از احداث شهرهای جدید نوعی عملکردگرایی اقتصادی - تک یا چند پایه - بود، در حالی که شهرهای جدید امروزی محل اسکان سرریزهای جمعیت شهرهای بزرگ تلقی می‌شوند و این ویژگی، آنها را بیشتر به شکل شهرهای جدید اقماری در می‌آورد تا شهرهای جدید صنعتی» (زیاری، پاییز ۱۳۷۸، ۹۴). همچنین این شهرهای جدید، بیشتر جهت توسعه ناپیوسته شهر اصلی ایفای نقش می‌کنند.

از نظر توزیع فضایی، از تعداد ۱۸ شهر جدید مصوب بعد از انقلاب اسلامی، ۱۲ شهر در اطراف مادرشهرهای بزرگ ایران، یعنی تهران، مشهد، اصفهان، تبریز و شیراز مکانیابی شدند. ۶ شهر جدید دیگر نیز در اطراف مادرشهرهایی چون بوشهر، اراک، بندرعباس، اهواز، زابل و چابهار مکانیابی گردیده‌اند.

از مشخصات این شهرهای جدید، از نظر فاصله شهرهای جدید با مادرشهرها، کمترین، ده کیلومتر مربوط به لیان و بیشترین، شصت و پنج کیلومتر مربوط به هشتگرد و مجلسی است. از لحاظ جمعیت، بیشترین جمعیت ۵۰۰ هزار نفر مربوط به هشتگرد و

کمترین جمعیت ۶۰ هزار نفر مربوط به رامشار و مهاجران است. به لحاظ مساحت، بیشترین مساحت شهرهای جدید مصوب، هفت هزار هکتار مربوط به فولادشهر و کمترین ۸۲۶ هکتار مربوط به مهاجران است (جدول ۳).



مأخذ: (صرافی، ۱۳۶۹، ۴۶)

نمودار ۲ سیر اتخاذ سیاست‌های پاسخگویی به مشکلات شهرنشینی در ایران پس از انقلاب اسلامی

جدول ۳ موقعیت و مشخصات شهرهای جدید بعد از انقلاب اسلامی در ایران

ردیف	نام شهر جدید	نام شهر مادر	فاصله از شهر مادر (km)	تاریخ تأسیس شرکت	جمعیت پیش‌بینی شده در طرح (نفر)	مساحت شهر (ha)	تاریخ تصویب طرح جامع
۱	پردیس	تهران	۲۵	۷۰/۵/۷	۱۵۰۰۰۰	۲۰۰۰	۷۴/۴/۲۲
۲	هشتگرد	تهران	۶۵	۶۹/۲/۲۴	۵۰۰۰۰۰	۴۰۰۰	۷۲/۴/۲۸
۳	اندیشه	تهران	۳۰	۷۰/۱۲/۱۸	۱۰۰۰۰۰	۱۱۰۰	-
۴	پرند	تهران	۳۵	۶۹/۳/۲۲	۸۰۰۰۰	۱۴۶۷	۷۷/۶/۹
۵	لتیان	تهران	۱۰	۷۱/۱۲/۲۶	-	۱۱۰۰	-
۶	بهارستان	اصفهان	۱۵	۶۸/۶/۱	۳۲۰۰۰۰	۳۰۰۰	۷۲/۷/۱۹
۷	فولادشهر	اصفهان	۲۵	۶۸/۶/۱	۳۲۰۰۰۰	۷۰۰۰	۷۳/۳/۱۹
۸	مجلسی	اصفهان	۶۵	۶۸/۶/۷	۱۴۰۰۰۰	۳۰۰۰	۷۲/۶/۲۲
۹	سهند	تبریز	۲۰	۷۰/۹/۹	۹۰۰۰۰	۳۱۴۸	۷۷/۴/۱
۱۰	صدرا	شیراز	۱۵	۷۰/۶/۶	۲۰۰۰۰۰	۲۰۴۸	۷۴/۱۱/۲۳
۱۱	گلبهار	مشهد	۴۰	۶۹/۵/۲	۴۰۰۰۰۰	۴۰۰۰	۷۲/۴/۷
۱۲	بینالود	مشهد	۴۵	۷۰/۱۲/۵	۱۲۰۰۰۰	۴۰۰۰	-
۱۳	عالیشهر	بوشهر	۲۴	۶۸/۱۲/۱۹	۱۰۰۰۰۰	۴۰۰۰	۶۵/۷/۱۷
۱۴	مهاجران	اراک	۲۸	۶۹/۱/۱۹	۶۰۰۰۰	۸۲۶	۷۶/۵/۲۰
۱۵	علوی	بندرعباس	۴۰	۶۹/۱/۲۲	۱۰۰۰۰۰	۳۰۰۰	-
۱۶	رامین	اهواز	۳۵	۷۰/۱۲/۱۵	۶۵۰۰۰	۱۰۰۰	-
۱۷	رامشار	زابل	۳۵	۷۰/۹/۲۷	۶۰۰۰۰	۱۰۰۰	-
۱۸	تیس	چابهار	۳۰	۷۰/۹/۲۷	۱۰۰۰۰۰	۱۰۰۰	-

مأخذ: (روابط عمومی شرکت عمران شهرهای جدید، ۱۳۷۸، ۵۶-۱۰)

ضرورت تداوم ایجاد شهرهای جدید در ایران

با توجه به تحولات شهرنشینی اخیر در ایران حال به این مسأله باید جواب داد که آیا ضرورت‌هایی که در گذشته منجر به راهبرد ایجاد شهرهای جدید در کشور شد همچنان به قوت خود باقی است یا در شرایط فعلی آن ضرورت‌ها از بین رفته است؟ اصولاً جامعه صنعتی شهرنشین است و با توجه به اینکه کشور ایران در مرحله گذار از جامعه سنتی به جامعه صنعتی است؛ در نتیجه با افزایش جمعیت شهرنشین، مهاجرت شدید روستاییان به شهرها (به ویژه شهرهای بزرگ) و افزایش تعداد شهرها روبه‌روست. با توجه به برآوردهای کارشناسی «جمعیت ایران در سال ۱۴۰۰ به احتمال قریب به یقین، به ۱۳۰ میلیون نفر خواهد رسید که نزدیک به ۱۰۰ میلیون نفر از این جمعیت در شهرها زندگی خواهند کرد. ما در سال ۱۴۰۰ حداقل ۱۰ مادرشهر بسیار گسترده خواهیم داشت» (زنجانی،

جدول ۳ موقعیت و مشخصات شهرهای جدید بعد از انقلاب اسلامی در ایران

ردیف	نام شهر جدید	نام شهر مادر	فاصله از شهر مادر (km)	تاریخ تأسیس شرکت	جمعیت پیش‌بینی شده در طرح (نفر)	مساحت شهر (ha)	تاریخ تصویب طرح جامع
۱	پردیس	تهران	۲۵	۷۰/۵/۷	۱۵۰۰۰۰	۲۰۰۰	۷۴/۴/۲۲
۲	هشتگرد	تهران	۶۵	۶۹/۲/۲۴	۵۰۰۰۰۰	۴۰۰۰	۷۲/۴/۲۸
۳	اندیشه	تهران	۳۰	۷۰/۱۲/۱۸	۱۰۰۰۰۰	۱۱۰۰	-
۴	پرند	تهران	۳۵	۶۹/۳/۲۲	۸۰۰۰۰	۱۴۶۷	۷۷/۶/۹
۵	لتیان	تهران	۱۰	۷۱/۱۲/۲۶	-	۱۱۰۰	-
۶	بهارستان	اصفهان	۱۵	۶۸/۶/۱	۳۲۰۰۰۰	۳۰۰۰	۷۲/۷/۱۹
۷	فولادشهر	اصفهان	۲۵	۶۸/۶/۱	۳۲۰۰۰۰	۷۰۰۰	۷۳/۳/۱۹
۸	مجلسی	اصفهان	۶۵	۶۸/۶/۷	۱۴۰۰۰۰	۳۰۰۰	۷۲/۶/۲۲
۹	سهند	تبریز	۲۰	۷۰/۹/۹	۹۰۰۰۰	۳۱۴۸	۷۷/۴/۱
۱۰	صدرا	شیراز	۱۵	۷۰/۶/۶	۲۰۰۰۰۰	۲۰۴۸	۷۴/۱۱/۲۳
۱۱	گلبهار	مشهد	۴۰	۶۹/۵/۲	۴۰۰۰۰۰	۴۰۰۰	۷۲/۴/۷
۱۲	بینالود	مشهد	۴۵	۷۰/۱۲/۵	۱۲۰۰۰۰	۴۰۰۰	-
۱۳	عالیشهر	بوشهر	۲۴	۶۸/۱۲/۱۹	۱۰۰۰۰۰	۴۰۰۰	۶۵/۷/۱۷
۱۴	مهاجران	اراک	۲۸	۶۹/۱/۱۹	۶۰۰۰۰	۸۲۶	۷۶/۵/۲۰
۱۵	علوی	بندرعباس	۴۰	۶۹/۱/۲۲	۱۰۰۰۰۰	۳۰۰۰	-
۱۶	رامین	اهواز	۳۵	۷۰/۱۲/۱۵	۶۵۰۰۰	۱۰۰۰	-
۱۷	رامشار	زابل	۳۵	۷۰/۹/۲۷	۶۰۰۰۰	۱۰۰۰	-
۱۸	تیس	چابهار	۳۰	۷۰/۹/۲۷	۱۰۰۰۰۰	۱۰۰۰	-

مأخذ: (روابط عمومی شرکت عمران شهرهای جدید، ۱۳۷۸، ۵۶-۱۰)

ضرورت تداوم ایجاد شهرهای جدید در ایران

با توجه به تحولات شهرنشینی اخیر در ایران حال به این مسأله باید جواب داد که آیا ضرورت‌هایی که در گذشته منجر به راهبرد ایجاد شهرهای جدید در کشور شد همچنان به قوت خود باقی است یا در شرایط فعلی آن ضرورت‌ها از بین رفته است؟ اصولاً جامعه صنعتی شهرنشین است و با توجه به اینکه کشور ایران در مرحله گذار از جامعه سنتی به جامعه صنعتی است؛ در نتیجه با افزایش جمعیت شهرنشین، مهاجرت شدید روستاییان به شهرها (به ویژه شهرهای بزرگ) و افزایش تعداد شهرها روبه‌روست. با توجه به برآوردهای کارشناسی «جمعیت ایران در سال ۱۴۰۰ به احتمال قریب به یقین، به ۱۳۰ میلیون نفر خواهد رسید که نزدیک به ۱۰۰ میلیون نفر از این جمعیت در شهرها زندگی خواهند کرد. ما در سال ۱۴۰۰ حداقل ۱۰ مادرشهر بسیار گسترده خواهیم داشت» (زنجانی،

۱۳۷۱، ۷۶). بنابراین، افزایش جمعیت شهرنشین، برنامه‌ریزی در مورد توسعه شهری را بیش از گذشته با اهمیت نموده است.

اصولاً به هنگام شهرنشینی سریع، مشکلات تشدید می‌شود. در همین راستا وزارت مسکن و شهرسازی سه سیاست توسعه شهری را به طور موازی پیگیری می‌کند که این سه سیاست عبارتند از: (شهرهای جدید از نگاه مدیران، ۱۳۷۸، ۱۳۰).

۱. بهسازی و نوسازی بافت‌های درونی شهرها؛

۲. توسعه فیزیکی شهرهای موجود؛

۳. ایجاد شهرهای جدید.

در مواردی که نیازهای توسعه شهری به وسیله دو گزینه نخست، برآورد نگردد؛ لزوم توسعه ناپیوسته شهری ضرورت می‌یابد (نگاه کنید به نمودار ۲). هر شهر جدید، «ناگزیر است برای ساکنین خود شغل‌های مورد نیاز را تهیه کند، احتیاجات روزانه آنها را برطرف سازد، امکانات تفریحی جهت مردم فراهم نماید و بالاخره برای هر طبقه و گروهی واحدهای مسکونی مشخصی بیاید» (شکوئی، ۱۳۵۳، ۱۰)، تا به اهداف پیش‌بینی شده خود دست یابد.

همچنین ضرورت ایجاد شهرهای جدید کشور را می‌توان در نوع برخورد با پدیده تمرکز نیز بررسی نمود. جهت تمرکززدایی و توزیع فضایی جمعیت شهرنشین دو راه حل اساسی می‌توان پیشنهاد کرد. «نخست: تمرکززدایی از کلان‌شهرها، دوم: تمرکززدایی در نواحی و مناطق حاشیه‌ای و عقب‌مانده ولی دارای قابلیت‌ها و استعدادها توسعه» (معصومی اشکوری، ۱۳۷۳، ۱۳۶). تمرکززدایی از کلان‌شهرها اصلی‌ترین عامل اتخاذ سیاست احداث شهرهای جدید در ایران بوده است. چرا که شهرهای جدید کشور در دوره بعد از انقلاب بیشتر به شکل توسعه ناپیوسته شهر مادر مطرح و الگوی اقماری داشته‌اند. بدین منظور سیاست شهرهای جدید به کار گرفته شد و دولت طرح‌هایی را در جهت هدایت رشد آتی جمعیت شهرنشین و فعالیت‌های اقتصادی از شهرهای بزرگی چون تهران، مشهد، اصفهان، تبریز و شیراز به نواحی اطراف آنها تدوین کرد (Atashi, 1998, 1). به طور کلی، طرح ایجاد شهرهای جدید به منظور پاسخگویی به شهرنشینی سریع، نیاز گسترده به مسکن و جلوگیری از پیدایش شهرهای خودرو در منطقه شهری مادرشهرها مطرح و به عنوان یک سیاست و ضرورت جدی در دستور کار دولت قرار گرفت. جدول ۴ خصوصیات شهرهای جدید ایران را ارائه می‌کند.

جدول ۴ خصوصیات شهرهای جدید ایران در دوره بعد از انقلاب اسلامی

ردیف	شاخص	شهرهای جدید ایران
۱	حدود جمعیت اولیه (پایه) نفر	صفر
۲	حدود جمعیت آماج - سال افق برنامه‌ریزی	۲۰۰۰۰۰ - ۱۵۰۰۰۰ نفر سال (۱۳۹۵-۱۴۰۰)
۳	معیارهای مکانیابی شهرهای جدید	۱- موجود بودن اراضی ۲- نزدیکی به مادر شهر ۳- نزدیکی به مجتمع‌های صنعتی بزرگ (انتخاب مکان توسط وزارت مسکن و شهرسازی)
۴	حدود سال ایجاد شهرهای جدید	۱- موجب جدید تفکر از سال ۱۳۶۴ برابر با ۱۹۸۵
۵	هدف‌های پایه در ایجاد شهرهای جدید	۱- جلوگیری از توسعه بی‌رویه و کلانشهر شدن شهر مادر ۲- انتقال صنایع مزاحم از شهر مادر ۳- ایجاد کانون‌های اشتغال در شهر جدید ۴- جلوگیری از بورس بازی زمین در شهر مادر ۵- پالایش شهر مادر ۶- کاهش هزینه‌های حمل و نقل از شهر مادر به کانون‌های صنعتی اطراف ۷- جلوگیری از ایجاد حاشیه‌نشینی در شهر مادر ۸- کاهش بار ترافیک شهر مادر ۹- نزدیک کردن محل سکونت به محل اشتغال در شهرهای جدید و رعایت فواصل شرعی ۱۰- جلوگیری از تخریب اراضی کشاورزی حومه شهرهای بزرگ ۱۱- تأمین مسکن اکثریت مردم ۱۲- کاهش هزینه‌های توسعه تأسیسات زیربنایی شهر مادر ۱۳- آزادسازی اراضی شهر مادر از طریق انتقال صنایع به شهر جدید ۱۴- جلوگیری از آلودگی محیط زیست شهر مادر
۶	اسناد مرجع در ایجاد شهرهای جدید: چهارچوب تصمیم‌گیری در مورد ایجاد شهرهای جدید	- مصوبه سال ۱۳۶۴ هیأت وزیران
۷	نحوه تصرف اراضی	بر طبق مصوبات شورای عالی معماری و شهرسازی ایران
۸	مسئولیت برنامه‌ریزی، اجرای برنامه‌ها و مدیریت	۱- شرکت عمران شهرهای جدید وابسته به وزارت مسکن و شهرسازی ۲- مشاوران خصوصی معماری و شهرسازی ۳- ادارات دولتی
۹	نحوه تصرف فضاهای ساخته شده	۱- ادارات دولتی ۲- افراد ۳- بخش خصوصی
۱۰	مکانیزم کنترل ارزش اراضی و فضاهای ساخته شده	در حال حاضر این گونه مکانیزم‌ها یا موجود نبوده یا به دلیل عدم قدمت شهرهای جدید کارایی خود را تثبیت نکرده‌اند.

مأخذ: (عبیدی دانشپور، ۱۳۷۳، ۹۷)

در ارتباط با ضرورت ایجاد شهرهای جدید در زمان فعلی جدیدترین اظهارنظر در این باره، ضرورت ایجاد این گونه شهرها را در سه عامل دانسته است.

الف- روند شهرنشینی و افزایش میزان جمعیت شهری کشور در آینده نیز تداوم خواهد داشت.

ب- جریان پدید آمدن شهرها فرآیندی اجتنابناپذیر است و اگر بر اساس برنامه‌ای از پیش سنجیده شده صورت نگیرد، شهرها به صورت خود به خودی به وجود خواهند آمد.

ج- روند شهرنشینی در ایران، ضرورت ایجاد شهرهای جدید به مثابه سکونتگاه‌های از پیش برنامه‌ریزی و طراحی شده را به عنوان یک راه حل به قوت خود باقی گذاشته است (معصوم، ۱۳۸۰، ۱۳).

اگرچه احتمال رسیدن جمعیت شهرنشین کشور در سال ۱۴۰۰ به ۱۰۰ میلیون نفر خیلی قطعی نظر نمی‌رسد؛ با این وجود نقش شهرهای بزرگ و منطقه شهری آنها در آینده به عنوان نقاط جاذب جمعیت همچنان مؤثر و قابل توجه می‌باشد. بنابراین بحث توسعه شهری همچنان در رأس مسائل شهری کشور قرار خواهد داشت. در چنین شرایطی « سیاست استمرار شهرهای جدید، به دلیل ظرفیت انعطاف‌پذیر آن از نظر اجرایی » (اردشیر، ۱۳۷۸، ۱۱۲) همچنان به عنوان یک راه‌حل مورد توجه بوده و خواهد بود. چرا که در غیر این صورت، چنانچه جهت سرریز جمعیت شهرنشین، چاره‌ای اندیشیده نشود، شاهد پیدایش شهرهای خودرو و گسترش حاشیه‌نشینی خواهیم بود. در نتیجه درازمدت مجبور به صرف هزینه‌های گزاف جهت حل مشکلات شهرهای خودرو و بی‌برنامه که با رشد قارچی به وجود آمده‌اند، خواهیم بود.

بررسی عملکرد شهرهای جدید ایران

از مجموع ۱۸ شهر جدید مصوب پس از انقلاب، ۱۳ شهر در مرحله اجرایی (آماده‌سازی زمین) قرار گرفته‌اند. از این تعداد به جز بینالود، ۱۲ شهر جدید دیگر وارد جریان زندگی و اسکان جمعیت شده‌اند. به دلیل اینکه مهمترین نقش و عملکرد شهرهای جدید کشور جذب سرریز جمعیت و آرایه مسکن می‌باشد، شاخص ساخت و سازهای مسکونی و جمعیت اسکان یافته بر مبنای جدیدترین اطلاعات موجود در این شهرها به شرح زیر می‌باشد.

الف- وضعیت ساخت و سازهای مسکونی

کل واحدهای مسکونی در ۱۲ شهر جدید تا پایان شش ماهه اول سال ۱۳۷۸ برابر با ۸۷۲۶۷ واحد بوده است. از این تعداد ۵۷۸۳۱ واحد یا به عبارتی ۶۶/۲۷ درصد در حال احداث و ۲۹۴۳۶ واحد یا ۳۳/۷۳ درصد تکمیل شده و پایان یافته است. همچنین بیشترین ساخت و ساز مربوط به بهارستان (با ۱۸۷۹۵ واحد) و کمترین مربوط به پرند (با ۷۳۶ واحد) بوده است (جدول ۵).

جدول ۵ تعداد ساخت و سازهای مسکونی در شهرهای جدید تا پایان شش ماهه اول سال ۷۸

رتبه	نام شهرهای جدید	واحد مسکونی در حال احداث	واحد مسکونی پایان یافته	جمع
۱	بهارستان	۸۲۴۵	۱۰۵۵۰	۱۸۷۹۵
۲	پردیس	۱۵۸۰۰	۲۳۰۸	۱۸۱۰۸
۳	اندیشه	۹۳۵۳	۵۱۲۸	۱۴۴۸۱
۴	هشتگرد	۸۷۶۱	۲۲۲۴	۱۰۹۸۵
۵	پولادشهر	۴۱۷۰	۳۷۵۶	۷۹۲۶
۶	مهاجران	۱۵۶۴	۳۳۸۵	۳۸۴۹
۷	سهند	۳۰۵۰	۷۷۸	۳۸۲۸
۸	گلپهارد	۲۳۸۰	۳۸۸	۲۶۶۸
۹	مجلسی	۱۵۴۷	۹۰۳	۲۴۵۰ پ
۱۰	صدرا	۱۷۱۵	۴۹۰	۲۲۰۵
۱۱	عالیشهر	۵۸۲	۶۴۹	۱۲۳۶
۱۲	پرند	۶۵۱	۷۷	۷۳۶
	جمع	۵۷۸۳۱	۲۹۴۳۶	۸۷۲۶۷

منبع (شرکت عمران شهرهای جدید، ۱۳۷۸، ۱۶)

جهت افزایش ساخت و ساز حمایت از سازندگان واحدهای مسکونی (اعم از انفرادی، تعاونی ساز و انبوه‌ساز) به طرق گوناگون در شهرهای جدید از قبیل اعطای تسهیلات بانکی و غیره می‌تواند مفید باشد.

ب- جمعیت اسکان یافته

پس از شروع روند ساخت و سازهای مسکونی، جذب و اسکان جمعیت و تأمین خدمات و امکانات شهری از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است. هرچه میزان اسکان و جذب جمعیت در شهرهای جدید بیشتر باشد، روند توسعه آن نیز مطلوب‌تر خواهد بود.

جدول ۶ جمعیت اسکان یافته در شهرهای جدید تا پایان شش ماهه اول سال ۱۳۷۹

رتبه	نام شهرهای جدید	جذب و اسکان یافته
۱	بهارستان	۵۰۰۰۰
۲	پردیس	۳۱۶۵۰
۳	اندیشه	۱۶۱۶۸
۴	هشتگرد	۱۳۵۰۰
۵	پولادشهر	۹۷۷۵
۶	مهاجران	۸۸۵۰
۷	سهند	۵۴۷۰
۸	گلپهارد	۳۹۵۰
۹	مجلسی	۳۸۸۵
۱۰	صدرا	۳۲۷۷
۱۱	عالیشهر	۶۵۰
۱۲	پرند	۵۸۸
	جمع	۱۴۷۷۳۶

منبع: (شرکت عمران شهرهای جدید، ۱۳۷۹، ۷)

جذب و اسکان جمعیت در ۱۲ شهر جدید مطابق جدول ۶ بیانگر آن است که تا پایان شش ماهه اول سال ۱۳۷۹، تعداد ۱۴۷۷۳۶ نفر در این شهرها ساکن شده‌اند. از نظر تعداد جمعیت، بیشترین تعداد مربوط به شهر جدید بهارستان با ۵۰۰۰۰ نفر جمعیت و کمترین مربوط به شهر جدید پرند با ۵۸۸ نفر جمعیت است. جمعیت‌پذیری شهرهای جدید «تابعی از ضریب توسعه بوده و از مدل نمایی تبعیت می‌کند. بنابراین، می‌توان انتظار داشت که به تأمین تأسیسات زیربنایی و خدمات روبنایی و توسعه اشتغال در شهرهای جدید، امکان‌پذیری و قابلیت جذب جمعیت در این شهرها به سرعت بالا رفته و به آستانه‌های پیش‌بینی شده برسد» (شرکت عمران شهرهای جدید، ۱۳۷۹، ۶).

عملکرد شهرهای جدید ایران از نظر شاخص ساخت و سازهای مسکونی و جمعیت اسکان یافته، به طور کلی (به جز شهر جدید بهارستان) ضعیف است. به دلیل اینکه شهرهای جدید ایران تا این زمان باید ارقامی به مراتب بیش از این، از این دو بعد به دست می‌آوردند (نگاه کنید به جدول ۳)، و پیشرفت کارها می‌بایست بیشتر از اندازه‌های کنونی باشد لذا با بررسی عملکرد شهرهای جدید ایران چنین نتیجه می‌گیریم که این شهرها، هزینه زیادی داشته‌اند، از لحاظ خدماتی متکی به مادرشهر بوده‌اند، مسأله مهاجرت و حاشیه‌نشینی حل نشده است و شهرهای جدید عملکرد خوابگاهی پیدا کرده‌اند.

ج- عمده‌ترین مسائل شهرهای جدید کشور

به طور کلی عمده‌ترین مسائلی که باعث عملکرد ضعیف شهرهای جدید کشور شده‌اند، عبارتند از: نخست: «فقدان برنامه‌ریزی منطقه‌ای و توجه صرف به طرح‌های شهری که نتیجه این امر در غالب موارد باعث ایجاد صدمات جبران‌ناپذیر به توان زیست‌محیطی و منابع غیرقابل احیاء بوده است» (اعتماد، ۱۳۷۱، ۳۵۵). این عامل متوجه انواع توسعه‌ها و ساخت و سازها می‌شود که در مورد شهرهای جدید نمودی قوی‌تر دارد.

دوم: اعلام این مطلب که از سوی وزارت مسکن و شهرسازی که این شهرها بدون کمک دولت ساخته می‌شوند و در نتیجه هیچ یک از بخش‌ها و دستگاه‌های دولتی تعهدی برای پاسخگویی به نیازهای این شهرها ندارد، و سبب بار مالی سنگینی برای مدیران شهرهای جدید شده است (گروه شهری، ۱۳۸۰، ۱۳).

سوم: مهمترین مشکل شهرهای جدید در تمام دنیا فقدان هویت است (هورکاد، ۱۳۸۰). در مورد شهرهای جدید ایران نیز «با تأسف باید بگویم شهرهای جدیدی که بنیاد گذارده‌ایم از آنرو که فاقد یک خصیصه متمایز هویتی است هیچ انگیزه غرور آمیزی برای شهروندان آن که خود را وابسته به آن بدانند ایجاد نکرده است» (کامروا، ۱۳۷۱، ۱۰).

راهکارهای بهبود عملکرد شهرهای جدید کشور

نخست: «با نگرشی واقع‌گرا و نه آرمانگرا باید حقایق را دید. لازمه چنین کاری این است که بپذیریم از دیدگاه آمایش سرزمین»، مقوله شهرهای جدید یک مسأله ملی است و مسائل ملی را نمی‌توان با نگرش بخشی حل کرد. حل مسائل ملی نیاز به عزم ملی و خرد جمعی دارد» (علیخانزاده، ۱۳۷۸، ۳).

بنابراین، تکلیف شهرهای جدید موجود از نظر تداوم و یا عدم تداوم سرمایه‌گذاری باید کاملاً روشن گردد تا شاهد موازی‌کاری سازمان‌های دست‌اندرکار توسعه شهری نباشیم.

دوم: جهت موفقیت شهرهای جدید از نظر اجرایی، مهمترین مورد قانونمند شدن شه‌ها، حدید است که این قانون تصویب شده است. بر اساس قانون جدید برخی از

رهای جدید تسهیل شده و بین ادارات تقسیم خواهد شد. جدید از نظر اجرایی و مالی کمتر خواهد شد.

سوم: جهت حل مسأله هویت و پایداری شهرهای جدید باید جاذبه در شهرهای جدید ایجاد نمود تا شهروندان بدانها وابسته و احساس سکونت پایدار در آنها شکل گیرد. «در نهایت به نظر می‌رسد تا زمانی که به شهرهای جدید به مثابه خوابگاه‌های بزرگ و وسیع و صرفاً در جهت حل معضل مسکن نگریسته شود. این پهنه‌ها فاقد هر نوع زندگی شهری، حس مکان و حیات پویا و جمعی‌اند» (ترابی، ۱۳۸۰، ۱۷). باید شهر جدید برخوردار از امکانات و خدماتی باشد که ساکنان آن کمتر نیاز به رفت و آمد به شهرهای همجوار (به ویژه مادرشهر) داشته باشند، و سایر شهروندان شهرهای همجوار نیز به دلیلی به شهر جدید بیایند. نه اینکه خانواده‌های ساکن در این شهرها احساس غربت و بیگانگی کنند و شهر با خلاء هویتی روبه‌رو شود.

نتیجه‌گیری

کشور ایران تا پیش از شروع شهرگرایی و شهرنشینی دوره معاصر تقریباً از نظام شهری همگونی برخوردار بوده است. اما به علت توسعه برونزا و ورود به بازار سرمایه‌داری، نقش توسعه درونزا و روابط سنتی شهر و روستا بهم خورد و سلسله مراتب شهری کشور دستخوش تغییر گردید. افزایش جمعیت شهرنشین، تعداد شهرها و رشد شهرهای بزرگ حاکی از گسترش شتابان شهرنشینی در کشور است. در این بین تمرکز در شهرها و به ویژه منطقه شهری، شهرهای بزرگ بیش از سایر موارد مشکل‌ساز گردیده است. بنابراین اتخاذ سیاست‌هایی مشخص جهت جلوگیری از گسترش بی‌رویه شهرهای بزرگ، ارایه مسکن و جلوگیری از حاشیه‌نشینی در کشور ضروری می‌نمود.

تصویب قانون احداث شهرهای جدید در سال ۱۳۶۴ توسط هیأت وزیران، یکی از این راه‌حل‌ها بود. بیشتر این شهرها نقش توسعه ناپیوسته شهر اصلی را ایفا خواهند کرد. بررسی عملکرد شهرهای جدید ایران حاکی از عملکرد ضعیف این شهرها می‌باشد. عمده‌ترین مسائل این عملکرد ضعیف را باید به طور مختصر در مواردی از قبیل؛ مشخص نبودن جایگاه این شهرها در سیاست‌های توسعه شهری، عدم تمکن مالی شرکت‌های عمران جهت انجام وظایف محول شده و خلاء هویت در شهرهای جدید به دلیل نبود خدمات، امکانات و خصیصه‌های غرورآفرین که حس مکان و پایداری سکونت در این شهرها را تقویت کند، دانست. جهت بهبود کارکرد و جایگاه این شهرها، تعدیل و رفع این محاسبات به عنوان راهبردهای اساسی و تحول‌آفرین، رهگشا خواهد بود.

منابع و مأخذ

۱. ابراهیم‌زاده، عیسی؛ مهاجرت‌های روستایی؛ علل و پیامدهای آن، نمونه: استان سیستان و بلوچستان، مشهد، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره مسلسل ۶۰، بهار ۱۳۸۰.
۲. احسن، مجید؛ تمرکز و تمرکززدایی و آثار کالبدی آن، تهران، مجله آبادی، سال چهارم، شماره پانزدهم، زمستان ۱۳۷۳.
۳. اردشیری، مهیار؛ ضرورت بازنگری در سیاست احداث شهرهای جدید، تهران، مجله آبادی، سال هشتم، شماره‌های ۳۱ و ۳۰، ۲۹ و ۱۳۷۸.
۴. اعتماد، گیتی؛ فقدان طرح‌ریزی منطقه‌ای و پیدایش سکونتگاه‌های خودرو در ایران، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی طرح‌ریزی کالبدی (اصفهان)، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، چاپ اول، ۱۳۷۱.
۵. اعتماد، گیتی؛ تغییرات شبکه شهری ایران در دهه اخیر، مجموعه مقالات هشتمین کنگره جغرافیدانان ایران، جلد دوم: انسانی، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان، چاپ اول، ۱۳۷۳.
۶. اعتماد، گیتی؛ شهرهای جدید: راه حل یا مسأله، تهران، مجله آبادی، سال هشتم، شماره‌های ۳۱ و ۳۰ و ۲۹، ۱۳۷۸.
۷. بهروز، فاطمه؛ زمینه‌های غالب در جغرافیای انسانی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
۸. پاپلی‌یزدی، محمدحسین؛ تمرکزگرایی و عدم تمرکزگرایی و آثار آن، نمونه: مسائل اداری، مجموعه مقالات شهرهای جدید، فرهنگی جدید در شهرنشینی، جلد اول: سخنرانی‌های برگزیده، تهران، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید، اسفند ۱۳۷۳.
۹. پاپلی‌یزدی، محمدحسین؛ اولویت دادن به حل مشکلات شهری، مشهد، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره مسلسل ۶۰، بهار ۱۳۸۰.
۱۰. پیران، پرویز؛ توسعه برونزا و شهر: مورد ایران، مجموعه مقالات شهرهای جدید، فرهنگی جدید در شهرنشینی، تهران، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید، چاپ اول، ۱۳۶۹.
۱۱. پیران، پرویز؛ نیم‌نگاهی به نوشهرها، از دیدگاه مسائل فرهنگی و اجتماعی، مجموعه مقالات شهرهای جدید، فرهنگی جدید در شهرنشینی، تهران، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید، چاپ اول، ۱۳۷۰.
۱۲. ترابی، مرضیه؛ حسن مکان در شهرهای جدید، تهران، ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۳۱، آذر ۱۳۸۰.
۱۳. توفیق، فیروز؛ گسترش شتابان شهرنشینی در ایران، مجله آبادی، شماره نهم، تابستان ۱۳۷۲.
۱۴. حبیبی، محسن؛ از شار تا شهر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۱۵. روابط عمومی شرکت عمران شهرهای جدید؛ شهرهای جدید ایران، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی هنر، ۱۳۷۸.
۱۶. زنجانی، حبیب‌الله و رحمانی، فریدون؛ راهنمایی جمعیت شهرهای ایران (۱۳۷۰-۱۳۳۵)، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، چاپ اول، ۱۳۶۸.
۱۷. زنجانی، حبیب...؛ جمعیت و شهر سالم، مجموعه مقالات نخستین سمپوزیوم شهر سالم، تهران، انتشارات شهرداری تهران، ۱۳۷۱.
۱۸. زیاری، کرامت‌الله؛ برنامه‌ریزی شهرهای جدید، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۸.

۱۹. سعیدنیا، احمد؛ جایگاه شهرهای جدید در نظام شهری ایران، مجموعه مقالات شهرهای جدید، فرهنگی جدید در شهرنشینی، تهران، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید، چاپ اول، ۱۳۶۹.
۲۰. شرکت عمران شهرهای جدید؛ گزارش پیشرفت کار: پروژه‌های آماده سازی، ساخت و سازهای مسکونی و اسکان جمعیت در شهرهای جدید (۶ ماهه اول سال ۱۳۷۸)، تهران، ۱۳۷۸.
۲۱. شرکت عمران شهرهای جدید؛ شهرهای جدید، نشریه داخلی تخصصی شرکت عمران شهرهای جدید، سال دوم: شماره ۱۶، اسفند ۱۳۷۹.
۲۲. شکوئی، حسین؛ شهرک‌های جدید، تبریز، انتشارات دانشگاه تبریز، ۱۳۵۳.
۲۳. شهرهای جدید از نگاه مدیران، تهران، مجله آبادی، سال هشتم، شماره‌های ۳۱ و ۳۰ و ۲۹، ۱۳۷۸.
۲۴. صرافانی، مظفر؛ ضرورت تدوین سیاست ملی شهرنشینی برای موفقیت شهرهای جدید در ایران، مجموعه مقالات شهرهای جدید، فرهنگی جدید در شهرنشینی، تهران، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید، چاپ اول، ۱۳۶۹.
۲۵. عبدی دانشپور، زهره؛ بررسی و تحلیل قیاسی شهرهای جدید در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، مجموعه مقالات شهرهای جدید، فرهنگی جدید در شهرنشینی، جلد اول: سخنرانی‌های برگزیده، تهران، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید، چاپ اول، اسفند ۱۳۷۳.
۲۶. علیخانزاده، علی محمد؛ شهرهای جدید، از آرمان تا واقعیت، تهران، مجله آبادی، سال هشتم، شماره‌های ۳۱ و ۳۰ و ۲۹، ۱۳۷۸.
۲۷. غمامی، مجید؛ نگاهی به عملکرد شهرهای جدید در مجموعه شهری تهران، تهران، مجله آبادی، سال هشتم، شماره‌های ۳۱ و ۳۰ و ۲۹، ۱۳۷۸.
۲۸. کامروا، محمدعلی؛ هویت در شهرهای جدید، مجموعه مقالات شهرهای جدید، فرهنگی جدید در شهرنشینی، تهران، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید، چاپ اول، ۱۳۷۱.
۲۹. گروه شهری روزنامه خراسان؛ رئیس گروه شهرسازی جامعه مهندسان مشاور ایران، طرح شهرهای جدید با شکست مواجه شد، ۱۲ شهریور ۱۳۸۰.
۳۰. مرکز آمار ایران؛ نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، جلد کل کشور، شماره ۲۵۵۳، ۱۳۷۶.
۳۱. شهیدزاده دهاقانی، ناصر؛ تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، چاپ دوم، بهمن ۱۳۷۴.
۳۲. معصوم، جلال و ایراندوست، کیومرث؛ گزارش اصلی: شهرهای جدید ضرورت‌ها و عملکردها، تهران، ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۳۱، آذر ۱۳۸۰.
۳۳. معصومی اشکوری، سیدحسن؛ توسعه شهری، شهرهای جدید و نظام شهری ملی و منطقه‌ای، مجموعه مقالات شهرهای جدید، فرهنگی جدید در شهرنشینی، جلد اول: سخنرانی‌های برگزیده، تهران، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید، چاپ اول، اسفند ۱۳۷۳.
۳۴. میزگرد اقتصادی شهرهای جدید، تهران، مجله آبادی، سال هشتم، شماره‌های ۳۱ و ۳۰ و ۲۹، ۱۳۷۸.
۳۵. هورکاد، برنارد؛ رئیس سابق انجمن ایران‌شناسی فرانسه در تهران، مسائل شهرهای جدید، در مصاحبه با نگارندگان، ۱۳۸۰/۱۰/۲۷.